

**Civil society and social networks in the Islamic Republic of Iran from the perspective of
Ludwig Wittgenstein's theory of language games**

Abstract

According to Wittgenstein's theory of language games, which is based on concepts such as "rules of the game" and "different forms of life", words have different meanings in different forms of social life. The analysis of the situation of civil society in the Islamic Republic in the form of the theory of language games was considered from the perspective that throughout the history of Iran, the dominance of the political system over the social and cultural system, caused simultaneous and different language games of people in Has been numerous lives; So that the play of people in society in different walks of life, rather than being voluntary and stemming from belonging and intellectual and value priorities, is affected by coercion, need, insecurity, and sometimes reluctance, and this situation, with The pervasiveness of virtual life has taken on new dimensions. In this article, with an interdisciplinary approach and a combination of descriptive-cognitive-discourse methodology, the presentation of a futuristic analysis on the impact of social networks on the status of civil society and mapping the opportunities and risks associated with it was aimed. In response to the question, "From the perspective of language game theory, how is civil society in the Islamic Republic affected by cyberspace and social networks?" It was answered that in the form of virtual life, Iranian civil society has found the opportunity to act in a new capacity and in interaction with the international community, so that in the form of research findings, the current stage of the "transformation" period in the legal system can be And named the duties of government and society in Iran; At the same time, it was argued that the form of virtual life disrupts the traditional order and way of life, thinking and beliefs of the people, and ignoring it, in the short term perpetuating the anomalous state, and in the medium term, the social decline in civil order. Is following.

Keywords:

Language games, Wittgenstein, civil society, social networks

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2021.255641.1334>

جامعه مدنی و شبکه‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه بازی‌های زبانی لودویک ویتگنشتاین

شهرام قاضی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

گارینه کشیشیان سیرکی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸

حسن خداوردی^۳

چکیده

مطابق با نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین که بر مفاهیمی چون «قواعد بازی» و «صورت‌های مختلف زندگی» بنا شده، کلمات در صورت‌های مختلف زندگی اجتماعی، از معانی متفاوتی برخوردارند. تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی در قالب نظریه بازی‌های زبانی از این منظر مورد توجه قرار گرفت که در طول تاریخ ایران، سلطه نظام سیاسی بر نظام اجتماعی و فرهنگی، باعث بازی‌های هم‌زمان و متفاوت زبانی مردم در صورت‌های متعدد زندگی شده است؛ به طوری که بازی افراد جامعه در صورت‌های مختلف زندگی، بیش از آنکه به صورت ارادی و منبعث از تعلق خاطر و اولویت‌های فکری و ارزشی باشد، متأثر از اجبار، نیاز، عدم امنیت، و گاهی رندانه است و این وضعیت، با همه‌گیر شدن صورت زندگی مجازی ابعاد جدیدی به خود گرفته است. در این مقاله، با رویکردی فرارشته‌ای و تلفیقی از روش‌شناسی توصیفی-تفهیمی-گفتمانی، ارائه تحلیلی آینده پژوهانه در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر وضعیت جامعه مدنی و ترسیم فرصت‌ها و مخاطرات مترتب با آن هدف‌گذاری شد. در پاسخ به این سؤال که «از منظر نظریه بازی‌های زبانی، جامعه مدنی در جمهوری اسلامی به چه شکل از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی متأثر می‌شود؟» پاسخ داده شد که جامعه مدنی ایران در صورت زندگی مجازی، این مجال را یافته تا در ظرفیتی جدید و در تعامل با جامعه جهانی بازیگری کند، به طوری که در قالب یافته پژوهش، می‌توان مقطع حاضر دوره «تحول خواهی» در نظام حقوق و تکالیف دولت و جامعه در ایران نام نهاد؛ درعین حال، استدلال شد که صورت زندگی مجازی باعث ساختارشکنی در نظم سنتی و شیوه زندگی، تفکر و باورهای مردم شده و عدم توجه به آن، در کوتاه‌مدت تداوم وضعیت بی‌هنجاری، و در میان‌مدت، ریزش اجتماعی در سامان مدنی را به دنبال دارد.

کلیدواژه‌ها: بازی‌های زبانی، جامعه مدنی، شبکه‌های اجتماعی، ویتگنشتاین.

^۱ دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران ghazizadeh@hotmail.co.uk

^۲ دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

g.keshishian71@gmail.com

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
hkhosravi55@yahoo.com

یکی از مهم‌ترین مباحث فلسفی دوران معاصر، موضوع فلسفه زبان و ارتباط آن با زندگی اجتماعی است که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان از جمله لودویک ویتگنشتاین^۱ فیلسوف بزرگ اتریشی قرار داشته است.

بی‌تردید، ویتگنشتاین یکی از تأثیرگذارترین فیلسوفان قرن بیستم است که شاید در میان اندیشمندان متأخر، هیچ فیلسوفی به اندازه وی در رشته‌های گوناگون محل رجوع نبوده است؛ به طوری که کتاب «پژوهش‌های فلسفی»^۲ ویتگنشتاین در باب نظریه بازی‌های زبانی و کتاب «تراکتاتوس یا رساله منطقی - فلسفی»^۳ وی در باب نظریه تصویری زبان در فهرست مهم‌ترین آثار فلسفی - زبانی قرن بیستم طبقه بندی می‌شوند.

در این میان، «نظریه بازی‌های زبانی»^۴ ویتگنشتاین، از موقعیتی محوری در مباحث فلسفه زبان و تحلیل‌های جامعه شناختی برخوردار است؛ هرچند این نظریه هیچ‌گاه به اقصای همگانی نرسید، ولی بی‌تردید چارچوبی بی‌بدیل برای تحلیل مباحث اجتماعی و کنش‌های رفتاری ارائه داد و راه را بر تفسیرهای متفاوت از عرصه عمومی و جامعه مدنی باز کرد. ویژگی نظریه بازی‌های زبانی این است که با اشکال و صورت‌های زندگی مردم در جامعه مدنی مرتبط می‌شود؛ بر اساس این نظریه، برون‌داد رفتار و خلیقات ما، جهان پیرامونمان را به همراه تفاوت‌های بنیادین آن تعیین می‌کند. بدین ترتیب، پهنه بازی‌های زبانی بی‌شمار است و باور به تعیین نداشتن معنای یکی از مؤلفه‌های اساسی نظریه بازی‌های زبانی به شمار می‌رود.

تحلیل جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران در قالب نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین از این منظر مورد توجه قرار گرفته است که قواعد بازی زبانی در «صورت زندگی مجازی»، باعث ساختارشکنی در عقاید و باورها، ارزش‌ها، پندارها، گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و فرهنگ سیاسی مردم در جمهوری اسلامی شده و نظم سنتی چند صدساله را به چالش کشیده و رابطه نظام سیاسی و نظام اجتماعی - فرهنگی را وارد عرصه جدیدی کرده است. تحت تأثیر این وضعیت، انتظارات جدیدی نظیر؛ شفافیت در نظام سیاسی و حکومت‌داری، تحقق توسعه و رفاه اقتصادی، عدالت و برابری، آزادی اندیشه و بیان، سهم‌خواهی جامعه زنان و جوانان و ... مورد مطالبه‌گری قرار گرفته است.

به واقع، این جریان سیال در حال هدایت جامعه ایران به سواحل جدیدی است که با ذهنیت تاریخی مردم این سرزمین فرسنگ‌ها فاصله دارد، و مدلی از کنش ارتباطی در حال شکل‌گیری است که نظام و باورهای اجتماعی - ارزشی ایران را بر نمی‌تابد؛ بنابراین، ساختار سیاسی و اجتماعی در حال خروج از عقلانیت ارزش‌مدار است و کنش رفتاری و جامعه مدنی با پارامترهای جدیدی در حال شکل‌گیری است. این وضعیت لزوماً به معنای تحقق یک جامعه مدنی مشارکتی نیست؛ بلکه می‌تواند

¹ Ludwig Wittgenstein 1889 - 1951

² Philosophical Investigation

³ Tractatus Logico - Philosophico

⁴ Theory of language games

⁵ Indeterminacy of meaning

سرآغاز مجموعه‌ای از تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه باشد که تأثیرات کوتاه‌مدت آن تداوم وضعیت آنومی و در میان‌مدت، ریزش اجتماعی را به دنبال داشته باشد.

بدین ترتیب، با بهره‌گیری از روش نظریه بازی‌های زبانی، تحلیل وضعیت جامعه مدنی در عصر جدید، در این مقاله مورد نظر می‌باشد. بر این اساس، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که؛ «از منظر نظریه بازی‌های زبانی، جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران به چه شکل از فناوری‌های ارتباطی و توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی متأثر می‌شود؟» در همین راستا، سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود. از جمله اینکه؛ در نگاهی آینده‌پژوهانه به صورت زندگی مجازی، جامعه مدنی ایران به چه سمت و سویی حرکت می‌کند؟ دولت و ساختار حاکم در بازی زبانی و صورت زندگی مجازی از چه وضعیت و مرتبه‌ای برخوردار است؟ متأثر از گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، رابطه دولت و جامعه چگونه تعریف می‌شود؟ برای کنکاش موضوع و یافتن پاسخ، فرضیه اصلی مقاله به این شرح است؛ «در دو دهه اخیر، جهانی شدن و ارتباطات شبکه‌ای و صورت زندگی مجازی، نظم سنتی جامعه ایرانی را به چالش کشیده و کنشگری‌های جدیدی در عرصه‌های فراملی و فراملی در حال شکل‌گیری است؛ قواعد خاص بازی زبانی در فضای مجازی، در کوتاه‌مدت تداوم وضعیت بی‌هنجاری، و در میان‌مدت، ریزش اجتماعی در سامان مدنی را به دنبال خواهد داشت.»

۱. تاریخچه پژوهش

بی‌تردید، ویتگنشتاین از معدود فیلسوفانی است که تمامی آرا و آثارش بر محور مباحث فلسفه زبان استوار بوده و به پیروی از هیوم و کانت، تلاش داشته تا حدود و ثغور «زبان» در عرصه اجتماعی را تعریف کند. علی‌رغم اینکه در طول حیات ۶۲ ساله ویتگنشتاین، تنها دو اثر کوچک از وی با عنوان «تراکتاتوس» و «لغت‌نامه‌ای برای کودکان» به چاپ رسید، و بخش‌های زیادی از یادداشت‌ها و نوشته‌هایش در ماه‌های بحرانی پایانی عمر، توسط وی سوزانده و نابود شد، ولی میراث^۱ باقی‌مانده از ویتگنشتاین - شامل ۱۲ هزار صفحه دست‌نوشته و ۸ هزار صفحه تایپ شده - بعد از مرگش توسط برخی علاقمندان پرشور که «مکتب ویتگنشتاینی» را تشکیل داده بودند، به مرور در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت، به طوری که امروز بیش از ده تألیف از ویتگنشتاین منتشر شده است.

سبک خاص نوشته‌های ویتگنشتاین، و ورود نظریه بازی‌های زبانی در جریان‌های عمومی مباحث فلسفی و جامعه‌شناسی موجب شد تا در نیم قرن گذشته، تألیفات مهمی به زبان‌های مختلف در باب فلسفه پسین ویتگنشتاین به رشته تحریر درآید که از آن جمله می‌توان به تألیفات؛ نیگل پلیزانت با عنوان «ویتگنشتاین و ایده نظریه انتقادی اجتماعی»، جان کانفیلد با عنوان «فلسفه متأخر ویتگنشتاین»، آنتونی کی با عنوان «معماری زبان و ذهن در فلسفه ویتگنشتاین»، ماری مک‌گین با عنوان «راهنمایی بر پژوهش‌های فلسفی ویتگنشتاین»، ویلیام هادسون با عنوان «لودویگ ویتگنشتاین، ربط فلسفی او به باور دینی»، یوستوس

¹ Nachlass

هارتناک با عنوان «ویتگنشتاین» و اوسوالت هنفلینک با عنوان «فلسفه پسین ویتگنشتاین» اشاره کرد که غالب آن‌ها بر تئوری بازی‌های زبانی و تأثیر و تأثرات اجتماعی و مدنی آن متمرکز است.

در ایران، توجه به ویتگنشتاین نسبتاً دیرآغاز شد؛ ولی در دو دهه اخیر توجه به آثار وی، شدت فزاینده‌ای داشته است. بنا بر سوابق موجود، خوانش آثار ویتگنشتاین در ایران، اول بار به سال ۱۳۵۰ و حدود ۲۰ سال پس از وفات این فیلسوف اتریشی باز می‌گردد که منوچهر بزرگمهر خلاصه‌ای فارسی از مقدمه دیوید پیرس^۱ بر کتاب «لودویگ ویتگنشتاین» را منتشر کرد. اندکی بعد در سال ۱۳۵۱، وی ترجمه کتاب یوستوس هارتناک^۲ در مورد ویتگنشتاین را روانه بازار کرد و بدین ترتیب، اندیشه ویتگنشتاینی در مقابل حلقه‌ای که شیفته مارتین هایدگر بودند، وارد فضای فلسفی ایران شد و گشایش جدیدی از فهم زبان در زندگی مدنی را به دنبال داشت.

در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در دهه دوم انقلاب و به طور خاص در گفتمان اصلاحات، مجدداً مباحث فلسفی و از جمله اندیشه‌های ویتگنشتاین در کانون توجه قرار گرفت و تقریباً اکثر آثار این فیلسوف بزرگ شامل؛ «رساله منطقی فلسفی»، «پژوهش‌های فلسفی»، «برگه‌ها»، «کتاب‌های آبی و قهوه‌ای»، «درباره رنگ‌ها»، «در باب یقین» به فارسی ترجمه شد. همچنین، تألیفات مهم اندیشمندان غربی در باب فلسفه پسین ویتگنشتاین مورد عنایت مترجمین فارسی قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به؛ ترجمه کتاب «فلسفه متأخر ویتگنشتاین» نوشته جان کانفیلد، ترجمه دو کتاب از آنتونی کنی با عنوان «تاریخ فلسفه غرب راتلیج: فلسفه معنا، معرفت و ارزش» و کتاب «معماری زبان و ذهن در فلسفه ویتگنشتاین»، و ترجمه کتاب «فلسفه پسین ویتگنشتاین» نوشته اوسوالت هنفلینک اشاره کرد. توضیح این‌که توجه آکادمیک به ویتگنشتاین در سال‌های گذشته در ایران، بی‌تردید مرهون اندیشمندانی نظیر مصطفی ملکیان و سهراب علوی‌نیا بوده است. در عین حال، با شیوع «تب ویتگنشتاینی» در جامعه در دو دهه گذشته، تألیفات متعددی نیز برای جذب مخاطب عام روانه بازار شد که از جمله می‌توان به کتبی نظیر «ویتگنشتاین برای مبتدیان» یا «ویتگنشتاین در نود دقیقه» اشاره کرد.

در بررسی نگاه ایرانی به ویتگنشتاین، مشاهده می‌شود آنچه بیش از هرچیز در این سال‌ها مورد توجه قرار داشته است، موضوعات فلسفی - کلامی و معرفت‌شناختی، با محوریت مباحث فلسفه دین و کثرت‌گرایی دینی و گرایش‌های پست مدرنی است که از نظریه بازی‌های زبانی اقتباس شده است. ضمن باور بر این اصل که در جوامع دینی نظیر ایران، تحلیل و کنکاش در موضوعاتی نظیر فلسفه دین و کثرت‌گرایی دینی، از ملزومات تحلیل اجتماعی است، ولی باید اذعان داشت که در تألیفات و تفاسیر فارسی از آثار ویتگنشتاین، بررسی جامعه‌شناختی نظریه بازی‌های زبانی و ارتباط آن با جامعه مدنی ایران کمتر مورد توجه قرار داشته، و این خلاء تحلیلی در دو دهه اخیر که جهانی شدن فرهنگ و فناوری‌های ارتباطی، ستون‌های چند صدساله دنیای ایرانی را به لرزه درآورده و ارتباط معناداری میان اندیشه پسین ویتگنشتاین و وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی برقرار شده، بیش از پیش احساس می‌شود. با همین منظر، در این مقاله، نظریه بازی‌های زبانی به عنوان محوری‌ترین مبحث فلسفه متأخر

¹ David Hyde Pierce

² Justus Hartnack

ویتگنشتاین در باب ماهیت معنا و سرشت زبان، برای خوانش وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران در عصر تکنولوژی و فناوری‌های نوین ارتباطی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. روش تحقیق

موضوع تحقیق در این مقاله؛ «بررسی اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی بر جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران» است. با عنایت به اینکه «صورت زندگی مجازی» با نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی دنیای ایرانی فاصله معناداری دارد، بررسی موضوع در قالب تئوری بازی‌های لودویک ویتگنشتاین و با تکیه بر مفاهیمی نظیر «قواعد بازی‌های زبانی» و «مفهوم صورت زندگی» و «جهان‌بینی پست مدرنیسم» مورد توجه قرار گرفته است.

بر همین اساس، در مقاله حاضر، با تکیه بر پارادایم جدید جامعه‌شناسی و تأثیر کنشگرهایی جدید در عرصه‌های فراملی و فراملی بر زندگی مدنی، و همچنین اثرگذاری فناوری‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های مجازی بر کنش‌های اجتماعی، یک رویکردی فرارشته‌ای و تلفیقی از روش‌شناسی توصیفی - تفهیمی - گفتمانی برای تحلیل وضعیت جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری شده است.

برای گردآوری داده‌ها، از شیوه تحقیق کتابخانه‌ای، مطالعه اسنادی و اینترنتی استفاده شده است. همچنین، تمرکز پژوهش با توجه به موضوع این مقاله، در دوره جمهوری اسلامی با محوریت دو دهه اخیر است که فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های مجازی نقش غیرقابل انکاری در برساخت سازی جامعه مدنی عهده‌دار شده‌اند. هدف این مقاله، ارائه تحلیلی آینده پژوهانه در مورد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر پویایی جامعه مدنی در ایران و ترسیم فرصت‌ها و مخاطرات مترتب با آن است.

۳. چارچوب نظری (تعریف مفاهیم، تئوری‌های تعیین کننده)

در طول تاریخ، اندیشمندان و متفکرین بزرگی (نظیر کانت و هوسرل) یافت می‌شوند که در طول حیات فکری خود، دوره‌های مختلفی از تباین و حتی تضاد در اندیشه و نوشتار را تجربه کرده‌اند و زندگی علمی‌شان به دو دوره مستقل قابل تقسیم است؛ بی‌تردید ویتگنشتاین یکی از شاخص‌ترین اندیشمندان معاصر بر این سیاق است.

عواملی که باعث چرخش فکری یک اندیشمند می‌شود، به طوری که بر آن می‌شود تا فلسفه پیشین را نامعتبر بداند و طرح نو دراندازد، روایاتی خواندنی است. در مورد ویتگنشتاین، گفته می‌شود که وی پس از انتشار رساله منطقی - فلسفی، فلسفه را رها کرد و به آموزگاری دبستانی در یکی از روستاهای اتریش درآمد. شغل جدید، تأثیرات فراوانی در کوچ وی از فلسفه پیشین به فلسفه پسین داشت. آموزش نوشتن و خواندن و حساب کردن به کودکان و تجربه نوشتن فرهنگ لغتی برای مدارس ابتدایی، سهم مهمی در شکل‌گیری نگرش پراگماتیستی و قائل شدن وی به نظریه کاربردی معنا ایفا کرد.

علاوه بر عامل فوق، انتقاداتی که از سوی برخی دوستان و اندیشمندان هم‌عصر وی نظیر فرانک رمزی^۱ فیلسوف بریتانیایی و پیرو سرافا^۲ اقتصاددان ایتالیایی بر نوشته‌های وی وارد می‌شد، بر چرخش فلسفی وی تأثیرگذار بود. روزی ویتگنشتاین نزد سرافا، از نظر خود راجع به این که قضایای کلام، دارای همان صورت منطقی وقایعی هستند که نمودار می‌سازند، دفاع می‌کرد. سرافا حرکتی کرد که معمولاً اهالی ناپل برای اظهار تحقیر و نفرت از خود ظاهر می‌سازند و از ویتگنشتاین پرسید: «صورت منطقی این حرکت چیست؟» بنا به خاطرات ویتگنشتاین، همین سؤال بود که او را متوجه ساخت که امر واقع نمی‌تواند دارای صورت منطقی باشد.

همچنین، تأثیر اندیشه‌های ویلیام جیمز بر ویتگنشتاین غیرقابل انکار است. دو کتاب «اصول روان‌شناسی» و «تنوع تجربه دینی» جیمز از معدود کتبی بودند که ویتگنشتاین به عنوان کتاب درسی در مقطع تدریس در مدرسه از آن استفاده می‌کرد که هر دو کتاب بر رفتارها و کنش‌های اجتماعی دلالت داشتند.

۴-۱ نظریه تصویری زبان

ماحصل دوران اول زندگی علمی ویتگنشتاین در کتاب رساله منطقی - فلسفی و در قالب «نظریه تصویری زبان» انعکاس یافت. در این کتاب، وی تصویری از یک دیدگاه فلسفی مدرن را عرضه کرد که هسته مرکزی آن، وجودشناسی زبانی^۳ بود. بر این اساس، زبان آینه واقعیت و در بردارنده گزاره‌هایی است که جهان را به تصویر می‌کشد و برای آنکه تصور درستی از زبان به دست آوریم، کافی است به کاربرد آن در زندگی واقعی نگاه کنیم و ببینیم مردم با زبان چه می‌کنند. (هنفلینک، ۱۳۹۷: ۱۰) به بیان دیگر، گزاره‌ها تصویر وضعیت‌هایی در جهان هستند که ممکن است درست یا نادرست باشند. (ویتگنشتاین، ۱۳۹۰: ۷) بنابراین، بر اساس نظریه تصویری زبان، محک هر شیء، نام آن است. اگر کسی می‌خواهد بداند که ماشین تحریر به چه معناست، می‌توان ماشین تحریر را به او نشان داد. (هادسون، ۱۳۸۸: ۱۹)

۴-۲ نظریه بازی‌های زبانی

سرآغاز دوره دوم تفکر فلسفی ویتگنشتاین، شرحی انتقادی بر نظریه تصویری زبان است. به باور ویتگنشتاین، دیدگاه ذات‌گرایانه رساله منطقی - فلسفی با واقعیت‌های زبانی هیچ‌گونه انطباقی ندارد و این نظریه، صرفاً بیانگر یکی از جنبه‌های زبان است که در آن، کارکرد اصلی زبان نام‌گذاری اشیاء است؛ درحالی‌که زبان کارکردهای دیگری نیز دارد، همانگونه که آموختن اسامی ورق‌های بازی یا مهره‌های شطرنج، آموختن شیوه بازی نیست. به تعبیر ویتگنشتاین، زبان واقعیتی اجتماعی و در دسترس همگان است، نه جوهری که بتوان ماهیت آن را با استدلال ذهنی محض به دست آورد. (ویتگنشتاین، ۱۳۹۱: بند ۲) وی تأکید می‌کند که باید توصیف را جانشین توضیح کرد و به جای آن‌که به معانی کنش‌های زبانی بیاوریم، باید کارکرد عملی آن‌ها را در متن و جریان زندگی درک کنیم. (ندرلو، ۱۳۹۰: ۸۹)

¹ Frank Ramsey

² Piero Sraffa

³ linguistic ontology

بنابراین، نظریه بازی‌های زبانی موقعیتی مرکزی در اندیشه‌های ویتگنشتاین متأخر دارد. این نظریه، یک تئوری نیست، بلکه به مثابه یک فعالیت است. ویتگنشتاین بازی‌های زبانی را با اشکال زندگی مردم مرتبط می‌داند و تعداد آنها را بی‌نهایت می‌شمارد. او معتقد است که نباید درباره معقول یا نامعقول بودن این بازی‌ها پرسید، بلکه فقط باید آنها را توصیف کرد. (محمدی، ۱۳۹۸: ۱۰۰)

بر این اساس، ویتگنشتاین در نظریه بازی‌های زبانی گونه جدیدی از خوانش را ارائه داد که در آن، زبان همچون ابزاری است که برای فهم معنای آن، لازم است به کاربرد آن در زندگی مردم توجه شود؛ ما نمی‌توانیم مفاهیم را فیلسوفانه تعریف کنیم، بلکه باید در عمل و ضمن کارورزی، آنها را بفهمیم و این کارورزی‌ها نیز به شدت متنوع است. (پورحسن، ۱۳۸۵: ۱۳۴)

به واقع، ویتگنشتاین در کتاب پژوهش‌های فلسفی، گام جدیدی برمی‌دارد و با سخن گفتن از زندگی واژه‌ها، معنای یک واژه را زندگی آن در نظر می‌گیرد و کاربرد خاص یک واژه را صورتی از آن می‌داند که لزوماً با صورت‌های دیگر آن واژه یکسان نیست. (ویتگنشتاین، ۱۳۸۱: ۳۶۹) یعنی، واژه بدون قرار گرفتن در یکی از صورت‌های زندگی، معنایی ندارد و صورت‌های گوناگون زندگی معنای واژه‌ها را معین می‌کند. (Von der Ruhr, 2005: 175) بر این اساس، زبان نوعی زندگی در جامعه یا شیوه‌ای از زندگی است. (کنی، ۱۳۹۲: ۲۴۵) با توجه به همین نکته، می‌توان گفت تنوع در زبان نیز بیانگر تنوع در گونه‌های زیستن افراد یک جامعه است. تنها کسانی می‌توانند معانی را دریابند که در آن زیست گونه خاص، زندگی کرده باشند.

زبان امری عمومی و اجتماعی است و دیگر صحبت کردن از زبان خصوصی بی‌معنی است. این زبان همگانی در زندگی اجتماعی، برای ارتباط آدمیان به کار گرفته می‌شود. بدین ترتیب، باورها و عقاید ما با شیوه زیستن و چگونگی تعامل ما با جهان، ارتباطی وثیق داشته و در هر صورتی از زندگی، به شکلی متفاوت آشکار می‌شود. (دهاقین، ۱۳۹۷: ۱۱۴) در این دیدگاه، زبان شامل بازی‌های متنوعی است که کارکردهایی همچون؛ توصیف، گزارش، تحریک و تمسخر دارد. ولی، این تمام انواع بازی‌های زبانی نیست، بلکه در طی زمان، زبان و بازی‌های زبانی تازه و جدید به وجود می‌آیند و برخی از بازی‌های زبانی هم مهجور و فراموش می‌شوند. در واقع این فهرست دارای زایش‌ها و ریزش‌ها در بازی‌های گوناگون است. (عسگری یزدی، ۱۳۹۲: ۱۲۶)

بسیاری از شارحان ویتگنشتاین بر این باورند که وی هیچ‌گاه نتوانست بازی زبانی را دقیق تعریف کند. (کانفیلد، ۱۳۹۲: ۳۶۳) وی در پژوهش‌ها به این ناتوانی اعتراف می‌کند: «چگونه باید برای کسی توضیح دهیم که بازی چیست؟ فکر می‌کنم باید بازی‌ها را برای او توصیف کنیم ... اگر مرزی برای آن نمی‌شناسیم، به خاطر این است که اصلاً مرزی رسم نشده است.» بعد توضیح می‌دهد که هرچند نمی‌توانم بازی را تعریف کنم، ولی می‌فهمم مقصودم از بازی چیست. (ویتگنشتاین، ۱۳۹۰: بند ۶۹)

ویتگنشتاین پس از تمثیل زبان به بازی، به سراغ قواعد بازی‌های گوناگون می‌رود. او نشان می‌دهد قواعد بازی‌ها با یکدیگر متفاوتند و نمی‌توان قواعد یکی را درباره دیگری جاری کرد؛ مثلاً در بازی فوتبال دست‌زدن به توپ خطاست، ولی در بازی والیبال، نه تنها مجاز، بلکه شیوه بازی است. در میان بازی‌های زبانی نیز اصلاً قاعده‌ای مشترک و کلی وجود ندارد. هر بازی زبانی قاعده مخصوصی دارد که بر بازی‌های زبانی دیگر تطبیق‌پذیر و تعمیم‌دانی نیست. نباید دنبال قواعدی باشیم که در تمام بازی‌های زبانی مشترک باشند. (کنی، ۱۳۹۲: ۲۴۵)

پرسش دیگر آن است که این قواعد در کجا وضع شده‌اند و چه کسانی آنها را وضع کرده‌اند. پاسخ ویتگنشتاین آن است که برای تعیین قواعد، در خارج از یک بازی، هیچ مرجعی وجود ندارد. نوع رفتار و موافقت افرادی که در بازی مشارکت دارند، قواعد بازی را تعیین می‌کند.

۳-۴ مفهوم صورت زندگی

مفهوم صورت زندگی^۱ از مفاهیم اساسی مطرح شده در کتاب پژوهش‌های فلسفی ویتگنشتاین است. موضوع چگونگی استفاده انسان‌ها از زبان و مشارکت آن‌ها در بازی‌های زبانی در ارتباط دقیق و کامل با صورت‌های زندگی ترسیم می‌شود؛ صورت‌های زندگی در واقع فعالیت‌ها یا حالت‌های خاص ذهن است و شامل اموری مانند گزارش دادن، مذهبی بودن، دعاکردن، دستور دادن، احساس شادی کردن، مغموم بودن در زندگی هر روزه و از این دست امور می‌شود؛ یک باور دینی و یا فرهنگی که دارای طبقات فرودست و اشرافی است، در یک صورتی از زندگی جای می‌گیرند. (Wittgenstein, 1966: 58)

بنابراین، صورت‌های زندگی اصولاً شرایط صوری و الگوهایی در بافت زندگی ما هستند که به واسطه زبان، جهان معنادار را امکان‌پذیر می‌کنند. (ویتگنشتاین، ۱۳۸۱: ۵۶۹) ویتگنشتاین را براساس این فقره و برخی گفته‌های مشابه، منادی پایان و مرگ فلسفه خوانده‌اند و فلسفه او را جزو فلسفه‌های پایانی به شمار آورده‌اند.

بدین ترتیب، صورت‌های زندگی عبارتند از بستری که بازی‌های زبانی گوناگون، آن‌چنانکه عملاً بازی می‌شوند، در آن ظهور و بروز می‌یابند. (دهاقین، ۱۳۹۷: ۱۱۸) ویتگنشتاین با مثال مشهورش درباره استاد و وردست در ساختمان‌سازی، مفهوم صورت زندگی و بازی زبانی را توضیح می‌دهد؛ استاد فریاد می‌زند «نیمه»، و وردست باید یک «نیمه» بیاورد. سخن ویتگنشتاین این است که معنی کلمه «نیمه» را کاربردش در فعالیتی که استاد و وردست انجام می‌دهند، تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، هر لفظ فقط در متن زندگی و به تعبیری در «صورتی از زندگی» دارای معناست؛ لفظ در هر صورت از صورت‌های زندگی دارای کاربردی است که متفاوت از کاربرد آن در یک صورت زندگی دیگر است. بر این اساس، هر صورت زندگی دارای زبان مخصوص به خود است. هر صورت زندگی و به تبع آن هر بازی زبانی، دارای قوانین خاص خود است و تسری دادن قوانین هر یک به دیگری ناروا است. (دسترسی ۱۳۹۹/۴/۲۹)

¹ Form of Life

در عین حال، نباید صورت‌های زندگی را فعالیت‌های صرف زبانی بدانیم؛ بلکه باید آنها را فعالیت‌های بنیادین انسانی در نظر گرفت که فعالیت‌های زبانی در بستر آن شکل می‌گیرند و بر آن استوارند. صورت زندگی نمی‌تواند همیشه به صورتی از یک رفتار فروکاسته شود، زیرا ما گاهی در ظاهر رفتاری داریم که اغراض پنهان ما را بیان نمی‌کند. (ویتگنشتاین، ۱۳۸۴: بند ۴۸۷) بدین ترتیب، نه تنها گزاره‌های تجربی، قابل بیان و معنادار هستند - آنچه ویتگنشتاین در دوره اول فلسفی خود بدان معتقد بود - بلکه صورت‌های دیگر زندگی همانند اخلاق، زیبایی‌شناسی و دین نیز بازی زبانی خاص خود را دارند که با توجه به همان صورت زندگی، معنادار هستند.

لازم به ذکر است که ویتگنشتاین درباره صورت زندگی، توضیحی سازمان یافته نمی‌دهد و دیدگاه او در این باب تفسیرهای متعددی را برانگیخته است. برخی معتقدند که صورت زندگی، در بر گیرنده کل یک فرهنگ است و عده‌ای دیگر، صورت زندگی را فعالیت جزئی در یک فرهنگ نظیر سیاست یا تعلیم و تربیت تعبیر می‌کنند. می‌توان چنین استنتاج کرد که استفاده از کلمه «بازی» برای اشاره به زبان مورد استفاده در هر «صورت زندگی» بدان علت است که مطابق دیدگاه ویتگنشتاین، هیچ‌گونه قانون مشترکی در تمام صورت‌های زندگی وجود ندارد و صورت‌های زندگی، طیفی گسترده را شامل می‌شوند.

۴-۴ بازی‌های زبانی و پست مدرنیسم

بسیاری مدرنیته را آرمانی‌ترین دوران تاریخ بشری می‌دانند و هر حادثه‌ای، اعم از عینی و ذهنی که در ظرف آن نمی‌گنجد، بیراهه‌ای در این مسیر ارزیابی می‌کنند. (مردیها، ۱۳۹۴: ۱۷) در نقطه مقابل، گروهی بر این باورند که تاریخ هیچ‌گاه در لحظه منجمد نگشته است؛ مدرنیته لحظه‌ای از آن بوده و پست مدرنیته لحظه‌ای دیگر در همان جریان است. از منظر پست مدرن باوران، ذهن پست مدرن می‌کوشد تا پوسته‌های پوشالی را از هر نوع که باشد، کنار زده تا هسته حقیقت هویدا شود. از این روست که به باور پست مدرن باوران، ذهن پست مدرن گاه دیوانگی را می‌ستاید تا پوشالی بودن خردی را نشان دهد که داعیه حقیقت دارد، و گاه نوشته‌هایش را خط‌خطی می‌کند تا نظمی نو بیافریند. (ضمیران، ۱۳۸۶: ۲۹)

یکی از ویژگی‌های عصر پست مدرنیسم، غیاب حقیقت^۱ یا بحران معنا^۲ است که به بهترین وجه در نظریه بازی‌های زبانی انعکاس یافته است؛ همانطور که عنوان شد، باور به تعیین نداشتن معنا^۳ یکی از مؤلفه‌های اساسی نظریه بازی‌های زبانی است؛ پهنه بازی‌های زبانی بی‌شمار است و معنا در این بازی‌ها، نقش سازنده‌ای ندارد؛ بلکه صرفاً قاعده یا نتیجه‌ای است که هر بازی ارائه می‌کند. هر بازی قاعده‌ای دارد و معنایی، اما نباید آن معنا را جدی گرفت و نباید به آن بسنده کرد. نباید آن را به راستی معنا پنداشت و ادعای شناخت کرد. (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۷۲) ما به اندازه وسعت حضورمان در اشکال مختلف زندگی از ماهیت زبان آگاهیم و از آنجا که وسعت این حضورها بالضروره محدود است، دریافت ما از زبان نیز به همان اندازه محدود به ناحیه‌ای خاص از آن است که منطبق با گستره حضور ما در اشکال زندگی است.

¹ the absence of truth

² meaning crisis

³ Indeterminacy of meaning

بحث جامعه مدنی به عنوان سنگ بنای حکمرانی خوب، یکی از موضوعات روز جامعه‌شناسی سیاسی به شمار می‌رود و مفهوم آن، طیف وسیعی از تعابیر را در خود جای داده است. برخی از نظریه‌پردازان جامعه مدنی را مناسب کشورهای توسعه یافته تعبیر نموده و معتقدند در جوامع درحال توسعه، این ساختار موجب تضعیف دولت و بروز هرج و مرج می‌شود. برخی دیگر، نگاه فراملی به آن داشته و مفهوم جامعه مدنی را با مفاهیم جهانی شدن و جامعه مدنی جهانی گره می‌زنند. طیفی دیگر نیز براین باورند که هویت‌های جدید نظیر هویت دینی، درحال جایگزینی با هویت شهروندی است و شهروندی فراملی درحال جایگزینی با مفهوم کلاسیک جامعه مدنی است. عده‌ای نیز معتقدند که بحث در مورد جامعه مدنی، دامن زدن به افتراق میان دولت و جامعه است و ضروری است از مرحله حقوق و تکالیف دولت و جامعه عبور کنیم و به «فلسفه حکمرانی» و «مشارکت»^۱ بپردازیم.

علی‌رغم افتراق‌های مورد اشاره، در این مسأله اتفاق نظر کلی حاصل است که جامعه مدنی برای تحقق و پیشبرد دموکراسی ضروری است و با مشارکت اجتماعی و حقوق شهروندی ارتباط مستقیم دارد. در واقع، جامعه مدنی واسطی است بین ملت، حیطه خصوصی (فرد و خانواده) و حیطه عمومی (حکومت و نهادهای دولتی) که از طریق نهادها، نیروها، شبکه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آموزشی، حرفه‌ای، فرهنگی، تبلیغاتی و ... ایفای نقش می‌کند و خواسته‌های مردم را به حکومت و محدودیت‌ها یا اولویت‌های حکومت را به مردم منتقل می‌کند. (امین، ۱۳۷۶: ۴۹)

بدین ترتیب، باورها و علایق و سلایق ما با شیوه زیستن و چگونگی تعامل ما با محیط اجتماعی ارتباطی وثیق دارند و در هر صورتی از زندگی، به شکلی متفاوت آشکار می‌شوند. در این میان، جامعه مدنی عرصه و بستری است که بازی‌های زبانی و سایر فعالیت‌های بنیادین انسانی در ظرف صورت‌های زندگی، در آن ظهور و بروز می‌یابند.

با توجه به این اصل که عرصه عمومی، محل زایش‌ها و ریزش‌ها در بازی‌های گوناگون است و زبان و بازی‌های زبانی و به تبع آن، صورت‌های زندگی وضعیت ایستا ندارند، تغییر پارادایم جامعه‌شناسی و ظهور کنشگران جدید در عرصه‌های فراملی و فراملی، و همچنین توسعه فناوری‌های ارتباطی و گسترش شبکه‌های اجتماعی، در حال دگرگون‌سازی دنیای ایرانی و خلق صورت جدیدی از زندگی و بازی در جامعه مدنی ایران است.

۴. مدل نظری

انسان موجود ناطقی است که زبان و صورت‌های آن، ماهیت اندیشه‌اش را می‌سازند و در اعماق زندگی‌اش نفوذ می‌کنند. هر زبان در یک ساخت و بافت اجتماعی به کار می‌رود و در آن چارچوب قاعده‌مند می‌شود. بدین ترتیب، به زبانی

^۱ Partnership

سخن گفتن به معنای مشارکت در صورتی از زندگی است و فراگیری چنین آموزشی، الزاماً در اجتماع امکان‌پذیر است. (Grayling, 1991: 87)

حیوانات نیز مانند انسان‌ها می‌توانند صداهایی از خود منعکس کنند، ولی آن صداها الزاماً حاوی معنا و مفهوم نیستند؛ چراکه در یک بافت اجتماعی خاص، دریافت معنا و مفهوم امکان‌پذیر است. به تعبیر ویتگنشتاین «اگر بر فرض شیرها می‌توانستند صحبت کنند، ما نمی‌توانستیم مقصود آنها را دریابیم.» (ویتگنشتاین، ۱۳۹۱: بند ۳۹۳) از این جهت، یک رفتار علی‌ارگانیکی، با رفتار انسانی منحصر به فرد که اولاً قاعده‌مند است، ثانیاً بر پایه قراردادهای فرهنگی و اجتماعی است، و ثالثاً سرچشمه شناخت و دریافت ما را از جهان تشکیل می‌دهد، تفاوت‌های اساسی دارد، و شناخت نیز پیش از آن‌که یک فعل و انفعال ذهنی باشد، نوعی کسب توانایی در این بستر است و فهمی که از این شناخت پدید می‌آید، پیش از آنکه فعالیتی ذهنی باشد، وابسته به فعالیت عملی، زندگی واقعی، زمینه اجتماعی و صورت‌های زندگی است. (ویتگنشتاین، ۱۳۹۱: ۱۴۰)

بنابراین، امور مربوط به انسان بر خلاف امور مربوط به طبیعت، کاملاً به شیوه زندگی انسان وابسته است و بازی‌های زبانی که برسازنده معانی الفاظ هستند، پیوند عمیقی با شیوه زندگی انسان دارند. از سوی دیگر، چون زندگی انسان‌ها به تبع وجود تفاوت در مؤلفه‌های زندگی از قبیل اعتقادات و باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها و دیدگاه‌ها با یکدیگر متفاوت است، بازتاب بازی‌های زبانی در زندگی نیز در صورت‌های مختلف پدیدار می‌شود. همین امر موجب می‌شود در هر جامعه‌ای شاهد بازی‌های زبانی متناسب با آن جامعه باشیم. (دهاقین، ۱۳۹۷: ۱۳۳)

حال اگر بخواهیم «جامعه مدنی ایران» را با الگوی بازی‌های زبانی ویتگنشتاین بررسی کنیم، به این دلیل که جامعه ایرانی مجموعه در هم تنیده‌ای از شکاف‌های مختلف مذهبی، قومی، نژادی، زبانی و تمدنی است که از تضاد عینیت و ذهنیت و تضاد سنت و نوگرایی رنج می‌برد، با تعدد صورت‌های زندگی مواجه می‌شویم. در این ساختار، هر صورت زندگی، قواعد بازی خود را دارد که بر بازی‌های زبانی دیگر تطبیق‌پذیر و تعمیم‌دانی نیست.

در عین حال، در طول تاریخ ایران، ساختار قدرت همواره صورت خاصی از زندگی را به کل جامعه تسری داده است که در مقاطع مختلف، بر اساس الگوی رفتاری «تضاد دولت و ملت» پاسخ داده شده است. در سپهر سیاسی ایران، به دلایل مختلفی نظیر کمبود آب و وسعت سرزمین، وجود ایلات و عشایر، فرهنگ سیاسی استبدادی و غیره، نظم اجتماعی خودسامانی که از واحدهای کوچک اجتماعی ناشی شود، به وجود نیامد و نهاد دولت به مثابه اولین نهاد اجتماعی فراگیر نمو یافت و در راستای منافع یکسویه خود، به تدریج نهادهای دیگر اجتماعی را به وجود آورد. به همین دلیل، گروه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی، حقوقی، قضایی هر کدام بازتاب منافع دولت در جامعه سیاست‌محور شدند و تا به امروز، تا حدود زیادی تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی در یک رابطه عمودی (فراستی دولت و فرودستی جامعه) با دولت قرار دارند.

بدین ترتیب، سلطه دولت در تاریخ ایران بر نظام‌های اجتماعی و فرهنگی باعث شد که افراد جامعه هم‌زمان بازی‌های مختلف زبانی را در صورت‌های متعدد زندگی، بازی کنند. این شیوه زیستن، تبعات و آسیب‌های اجتماعی را نیز در پی داشته

ست. به طوری که، بازی افراد در برخی از صورت‌های زندگی، بیش از آنکه به صورت ارادی و خودخواسته و منبعث از تعلق خاطر و یا مبانی فکری و ارزشی باشد، متأثر از اجبار، نیاز، عدم امنیت، و گاهی نیز شیوه‌ای از رندی است.

و اما، آنچه امروز این شیوه زیستن و جامعه ایرانی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است، پدیده جهانی شدن و توسعه فناوری‌های ارتباطی، و متأثر از آن تغییر پارادایم جامعه‌شناسی، ظهور بازیگران جدید و در نهایت، بازیگری افراد در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان صورت جدید زندگی است که در این مقاله، آن را «صورت زندگی مجازی» می‌خوانیم. امروز، جهانی شدن اطلاعات را به کالایی تبدیل کرده که به کمک فناوری می‌تواند در دسترس همگان قرار گیرد و فرهنگ‌های گوناگون را با یکدیگر مرتبط سازد؛ به تعبیر آنتونی گیدنز،^۱ ارتباطات الکترونیکی باعث «کش آمدن روابط اجتماعی در طول زمان و مکان» شده که از جاکنندگی مردم از محل‌های واقعی‌شان را موجب شده است. بدین ترتیب، جامعه مدنی ایران این فرصت را به دست آورده تا استیلای دولت و نظام سیاسی بر نظام فرهنگی و اجتماعی را به چالش بکشند و برای اولین بار به برکت شبکه‌های اجتماعی، بازی آزاد و خودخواسته گروه‌ها و طبقات و نیروهای اجتماعی فعال در جامعه مدنی، در یک صورت زندگی (صورت زندگی مجازی) در حال تحقق است.

در عین حال، این سؤال اساسی مطرح است که چرا شبکه‌های اجتماعی در ایران تا این اندازه پرمخاطب هستند؟ طبق آمار تیرماه ۱۳۹۸ ایسپا، حدود ۷۰ درصد از مردم ایران حداقل در یکی از شبکه‌های اجتماعی فعالند؛ تنها در شبکه پیام‌رسان واتس‌آپ، حدود ۴۳ درصد از جمعیت کشور فعالیت روزانه دارند و ایران رتبه هفتم در میان کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است؛ شبکه تلگرام با جذب ۴۲ درصد و اینستاگرام با جذب ۴۰ درصد از جمعیت ایران، در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. (دسترسی ۹۹/۶/۱۴)

چنین می‌نماید که این وضعیت، ارتباط مستقیم با ساختار سیاسی، اجتماعی، فرهنگی کشورمان دارد. به طوری که بازی همزمان افراد در صورت‌های مختلف زندگی باعث شده که شبکه‌های اجتماعی به‌جای رسانه‌ها و نشریات بازی کنند، نشریات، انتظارات مخاطب به رسانه ملی را مرتفع می‌کنند؛ محدودیت کانال‌های تلویزیونی و سرگرمی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای مرتفع می‌شود؛ و این جابجایی در صورت‌های زندگی، در بخش‌های دیگر زندگی فرهنگی و اجتماعی نیز تداوم دارد. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد یکی از دلایل ضعف مشارکت جمعی و روحیه کار گروهی، عدم احساس تعلق افراد به بازی زبانی در صورت‌های زندگی‌ای است که در آن‌ها حضور دارند؛ وضعیتی که با حضور خودخواسته افراد در شبکه‌های اجتماعی، به طور جدی به چالش کشیده شده است.

۱-۵ صورت زندگی مجازی

جامعه مدنی دارای انواع صورت‌های زندگی است که در هر صورت زندگی، بازی زبانی خاص آن صورت به کار گرفته می‌شود. برای نمونه، مفاهیم دینی در یک جامعه دینی و در صورت زندگی دینی، در بازی زبانی مناسب آن جامعه - که

^۱ Anthony Giddens

البته متفاوت با صورت زندگی موجود در جامعه غیردینی است - به معنای مشخصی به کار می‌روند. بنابراین، مفهوم صورت زندگی به فضای فرهنگی و اجتماعی انسان پیوند می‌خورد و بازتابی از ساختار فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است؛ به گونه‌ای که شناخت صورت زندگی یک جامعه، در گرو فهم عناصر فرهنگی و اجتماعی آن جامعه قرار دارد.

بر اساس نظریه بازی‌های زبانی، به تعداد همه افراد، دنیاهای متفاوت وجود دارد و کسی حق ندارد دیگری را که در دنیای متفاوتی است، بر اساس دنیایی که خود در آن حضور دارد، نقد کند. (عسگری یزدی، ۱۳۹۲: ۱۳۲) همچنین، هیچ جامعه و گروهی حق نقد گروهی دیگر را ندارد؛ چون بازی‌ها دارای قواعد مختص به خود هستند و هر گروه و جامعه‌ای نیز قواعد خاص خود و کاربرد زبان خود را داراست.

حال، تصور کنیم که اگر افراد جامعه به یک صورت زندگی تعلق داشته باشند و یک زبان بازی بر روابط افراد جامعه غالب شود، چه اتفاقی خواهد افتاد. وضعیتی که احتمالاً که در زمان حیات ویتگنشتاین قابل تصور نبود و امروز به واسطه فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی محقق شده است. انقلاب انفورماتیکی و الکترونیکی و به تبع آن، پیشرفت فن‌آوری ارتباطات و نقش آفرینی شبکه‌های مجازی در زندگی اجتماعی، موجب پیوند اجتماعی - فرهنگی در عرصه مدنی شده و زبان بازی مجازی را تقویت کرده است.

طبیعتاً، ایران نیز از این روند مستثنی نیست. هرچند جمهوری اسلامی به دلایل سیاسی، لزوماً همسو با سایر کشورهای جهان حرکت نمی‌کند، ولی فناوری‌های ارتباطی جریانی است که از آن گریزی نیست. امروز فضای مجازی به اندرونی خانواده ایرانی راه پیدا کرده و برداشت مخاطب ایرانی از جامعه مدنی دستخوش تغییر شده و گفتمان ارتباطی در لایه‌های مختلف اجتماعی در حال شکل‌گیری است.

شبکه‌های اجتماعی طیف وسیعی از افراد را در یک گونه‌ی زیستن وارد کرده و زبان مجازی هر روز مخاطبین بیشتری در جامعه مدنی ایران جذب می‌کند. در صورتی که الگوی تضاد تاریخی دولت و ملت را یک اصل در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که صورت زندگی مجازی به صحنه‌ای برای اعلام نارضایتی و مخالفت با قدرت حاکم تبدیل شده است. علی‌رغم تحولات مورد اشاره، بازی زبانی نظام سیاسی، همچنان بر نظام و باورهای اجتماعی - ارزشی استوار بوده و سرعت تحولات به میزانی است که گاهاً ساختار، از درک نظام انتظارات باز می‌ماند. به طوری که بخشی از ساختار، با رویکرد انفعالی به دنبال حذف، توقف و فیلترکردن شبکه مجازی است؛ راهکاری که به نظر نمی‌رسد راهکار مناسبی برای دست و پنجه شدن با صورت زندگی و زبان بازی مجازی باشد.

از سوی دیگر، «جهانی شدن فرهنگ» نیز بر این معادله اثرگذاری دارد و زبان بازی هژمونیک غربی در حال هم‌افزایی با زبان بازی جامعه مدنی ایران در صورت زندگی مجازی است و تلاش‌های نظام سیاسی برای احیای استیلای نظام باورها و ارزش‌ها بر جامعه مدنی، واکنش گسترده بین‌المللی را به دنبال دارد. به طوری که هر تحول داخلی، از این ظرفیت برخوردار است که تبعات بین‌المللی پیدا کند. برای نمونه، قتل ناگوار رومینا اشرفی دختر ۱۳ ساله‌ای در روستای سفیدسنگان لمبر شهرستان تالش به دست پدرش در اول خردادماه ۱۳۹۹، در فضای مجازی تویتر و اینستاگرام تبدیل به یک جریان فراملی شد و فضای مجازی

داخلی و بین المللی، نظام سیاسی را نیز متأثر کرد و در فاصله زمانی کمتر از یک هفته، طرح لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در مجلس شورای اسلامی در اولویت بررسی قرار گرفت.

۵-۲ کاربرد صورت زندگی مجازی

چنین به نظر می‌رسد که جامعه مدنی ایران که در طول حیات یکصد ساله خود همواره با تهدید استیلاي جامعه توده‌ای مواجه بود، این مجال را یافته تا در ظرفیتی جدید نقش‌آفرینی کند. به طوری که صورت زندگی مجازی، انتظارات جدیدی نظیر؛ شفافیت در نظام سیاسی و حکومت‌داری، تحقق توسعه و رفاه اقتصادی، عدالت و برابری، آزادی اندیشه و بیان، سهم‌خواهی جامعه زنان و جوانان و ... را به عنوان مطالبات جامعه مدنی مورد تأکید دارد که به موجب آن، چالش‌های جدیدی در رابطه دولت و مردم - به عنوان دو ستون جامعه مدنی - بروز کرده است.

یکی از نشانه‌های صورت زندگی مجازی، تأثیرات آن بر ساختار و نظام آموزشی جمهوری اسلامی است. فارغ از مصائب و خسارات COVID-19، نمی‌توان انکار کرد که شیوع کرونا از منظر آموزشی، فرصتی بود که باعث تسریع در استقرار نظام آموزش مجازی در سطوح مختلف شد؛ بستری که فرصت گفتگو و هم‌شنوی میان معلم و دانش‌آموز را فراهم کرده و فرهنگ خطابه‌خوانی یا نظام آموزش بانکی^۱ در مدل آموزش سنتی ایرانی را به گوشه رانده است. (دسترسی ۱۳۹۹/۷/۱۱) بر اساس تعریف پائولو فریره^۲ از نظام آموزش بانکی، مشاهده می‌شود که روش تدریس خطابه‌خوانی از دانش‌آموزان موجوداتی تطابق‌پذیر و اداره‌شدنی می‌سازد که در زندگی اجتماعی، به راحتی به استیلاي قدرت حاکم و پذیرش سلطه تن در می‌دهند. (دسترسی ۱۳۹۹/۷/۹)

صورت زندگی مجازی فرصتی است تا نخبگان و فرهیختگان دیاسپورای ایرانی، از در آشتی با سرزمین اصلی برآیند و بازگشت مجازی آنها به دنیای ایرانی امکان‌پذیر شود. این موضوع، از این منظر حائز اهمیت است که در حال حاضر، بیش از پنج میلیون ایرانی در خارج از مرزهای کشورمان زندگی می‌کنند که بالغ بر ۹۶ درصد از آنان، مشاغلی در اختیار دارند که از سطح مهارت متوسط و بالا برخوردار است. (دسترسی ۱۳۹۹/۵/۱۵)

همچنین، صورت زندگی مجازی از این ظرفیت برخوردار است که جامعه مدنی را از برخی خلقیات رفتاری آسیب‌زدایی کند. در این صورت زندگی، همه افراد جامعه و از جمله طبقات فرودست، از حق اظهار نظر و حضور در بازی زبانی برخوردارند و با گردش اخبار و اطلاعات، پاسخگویی به عنوان یک اصل مورد تأکید قرار گرفته است.

۵-۲-۱ دغدغه‌ها و مخاطرات

¹ *The Banking Concept of Education*

آموزش بانکی، گونه‌ای آموزش پس‌اندازی مخصوص جوامع سود سالار است که در نظام بانکداری اجرا می‌شود. شعار اصلی بانک‌ها چنین است: «از امروز، ذره‌ذره پس‌انداز کن تا فردای روشنی برای خود و خانواده‌ات بسازی!» در نظام آموزش بانکی، آموزش کودکان بر مبنای نیازهای اجتماعی و اقتصادی این جوامع، به روش از بالا به پایین شکل می‌گیرد و دانش به شکل پس‌اندازی در ذهن کودکان انباشت می‌شود.

² *Paulo Freire*

در عین حال و فارغ از فرصت‌هایی که صورت زندگی مجازی برای جامعه مدنی ایران فراهم کرده است، از منظر روانشناسی اجتماعی، سطح و گسترده نفوذ شبکه‌های اجتماعی در جامعه نیمه سنتی - نیمه مدرن ایرانی و در طبقات، گروه‌ها، اصناف، شئون و اقشار مختلف، نیازمند تحلیل و واکاوی کارشناسی است؛ چنین به نظر می‌رسد که جامعه مدنی نوپای ایرانی با فاصله‌پذیری از سنت‌ها و ارزش‌های کهن اجتماعی، به نوعی سر درگمی و بی‌ثباتی دچار شده و هر روز از نقش‌آفرینی خانواده، نظام آموزشی، گروه‌های همسالان، گروه‌های مذهبی و ... کاسته می‌شود و نوعی درهم ریختگی و نابسامانی رفتاری و گفتاری، در صورت زندگی مجازی ایرانی مشاهده می‌شود.

از دیگر مخاطرات صورت زندگی مجازی، تولید انبوه خبر و تفسیر و آمار و ارقام است که تشخیص اخبار درست از نادرست و همچنین راستی آزمایی مطالب را با مشکل مواجه می‌سازد. توسعه فناوری در تولید نرم‌افزارهای تخصصی نیز شرایط را بیش از پیش پیچیده کرده است. این وضعیت، باعث سردرگمی اعضای جامعه مدنی شده و در نگاه خوشبینانه، به صورتی از دموکراسی‌های هدایت شده منتج می‌شود.

همچنین، علی‌رغم فرصت حضور برابر طبقات فرادست و فرودست و بازگشت مجازی دیاسپورای ایرانی به دنیای ایرانی در شبکه‌های اجتماعی، چنین می‌نماید که نقش و تأثیرگذاری روشنفکران در صورت زندگی مجازی تحت تأثیر گسترده تولید اطلاعات قرار داشته و دیدگاه‌های کارشناسی در هجمه وسیعی از مطالب غیرکارشناسی گم می‌شوند؛ فارغ از اینکه برخی فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را صورت ضد روشنفکری می‌دانند که جای کتاب و نشریات را در زندگی مردم تصرف کرده‌اند، انتظار می‌رود که در طی زمان، جایگاه نخبگان در فضای مجازی تعریف و تبیین شود.

۵. نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی ایران، نتیجه ساختارهای سیاسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی شکل گرفته در طول تاریخ ایران است که بر مبنای فرهنگ سیاسی تبعی و محدود و مبتنی بر اصل آمریت/تابعیت بنا شده است؛ یکی از مهم‌ترین چالش فرهنگ سیاسی امروز ایران، سرگشتگی‌های ناشی از تغذیه از منابع متعدد فکری اعم از سنتی و مدرن است؛ بدین معنا که، الگوهای رفتاری در جامعه ایرانی، نه مبنای سنتی و شکل پیشین را حفظ کرده و نه به طور وضوح شکل و محتوای امروزی به خود گرفته‌اند.

شکل‌گیری جامعه مدنی در یک قرن گذشته در ایران، و حضور تدریجی مردم در صحنه اجتماع و سیاست، به ویژه هنگام خیزش‌های عمده همچون انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، صورت‌های زندگی و بازی‌های زبانی را متأثر ساخته، ولی همچنان تا شکل‌گیری یک جامعه مدنی مشارکتی فاصله معناداری وجود دارد. در عین حال، نباید از نظر دور داشت که زبان‌ها نیز از ظرفیت‌های مختلفی برخوردارند و مهم است که زبان بر اساس چه معیشت و نیازی در یک فرهنگ تولید شده باشد. این مقوله، با جهان‌بینی یک ملت ارتباط مستقیم داشته و میان زبان و فرهنگ رابطه معناداری برقرار است.

در چنین بزنگاهی، در دو دهه گذشته فناوری‌های ارتباطی افق‌های جدیدی را مقابل جامعه مدنی ایران گشود و شبکه‌های اجتماعی فرصت جدیدی برای حضور و مشارکت افراد در عرصه عمومی و زندگی مدنی فراهم ساخت تا امید «گذار»

از الیگارشی به دموکراسی همچنان پابرجا باشد. با این منطق که اصولاً دوران گذار از حیث تولید اندیشه و ایجاد تغییر دوران مولدی است، می‌توان امید داشت که در این مقطع نیروهای فکری و ظرفیت‌های نهفته جامعه وارد عرصه شوند. کما اینکه، طی چندسال گذشته، نقش و حضور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بخش عمده‌ای از جمعیت زنان ایرانی در جامعه و کنش‌های اجتماعی تقویت شده و امروز زنان سهم مهمی در معادلات سیاسی و اجتماعی کشور دارند. به طوری که، افزایش سطح سواد و دانش زنان در جامعه، کسب مدارج عالی علمی و دانشگاهی، حضور و مشارکت در رده‌های میانی و بعضاً عالی مدیریتی کشور و همچنین اهمیت یافتن اشتغال زنان و تأثیر آن بر بودجه خانوار در شرایط سخت اقتصادی، جایگاه و موقعیت زنان به عنوان نیمه دوم جامعه ایرانی را به شدت تقویت کرده است.

بدین ترتیب و در ظرفیت «صورت زندگی مجازی» که دنیای ایرانی در حال تجربه آن است، می‌توان مقطع حاضر را دوره «تحول خواهی» در جامعه ایرانی نام نهاد که «تحول» در نظام حقوق و تکالیف دولت و جامعه در حال وقوع است و انتظار می‌رود تحت تأثیر بازی زبانی افراد جامعه در «صورت زندگی مجازی»، تغییر و تحولات دامنه‌داری در جامعه مدنی ایران به وقوع بپیوندد. به تعبیری، مجدداً تاریخ ایران در یکی از نقاط لولایی خود قرار گرفته است؛ وضعیتی که اگر ساخت‌مندی نشود، نظام اجتماعی و به طور خاص جامعه مدنی، در کوتاه‌مدت وضعیت «آنومی و بی‌هنجاری» را حفظ نموده و در میان‌مدت، می‌تواند با فروریزش مواجه شود.

در چنین شرایطی، چنین به نظر می‌رسد که سامان اجتماعی در تار و پود معضلات اقتصادی و بین‌المللی دولت، از اولویت‌بندی بالایی برخوردار نیست؛ در نتیجه، صورت‌هایی از زندگی مجازی در قالب پرسه‌های دیجیتالی باعث تشدید بحران‌هایی نظیر اعتراضات هیجانی و خشونت‌آمیز شده، و ضربان قلب جامعه مدنی به میزان نگران‌کننده‌ای افزایش یافته است.

- احمدی، بابک (۱۳۸۵). *مدرنیته و اندیشه انتقادی*، تهران، نشر مرکز
- ضمیران، محمد (۱۳۸۶). *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*، تهران، نشر هرمس
- کانفیلد، جان. وی (۱۳۹۲). *فلسفه معما، معرفت و ارزش در قرن بیستم*، ترجمه یاسر خوشنویس، تهران، نشر حکمت
- کنی، آتونی (۱۳۹۲). *معماری زنان و ذهن در فلسفه ویتگنشتاین*، ترجمه محمدرضا اسمخانی، چاپ اول، تهران، ققنوس
- مردیها، سیدمرتضی (۱۳۹۴). *دفاع از عقلانیت، تقدم عقل بر دین، سیاست و فرهنگ*، چاپ چهارم، تهران، نقش و نگار
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۹۱). *پژوهش‌های فلسفی*، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ ششم، تهران، نشر مرکز
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۹۰). *رساله منطقی - فلسفی*، ترجمه میرشمس الدین ادیب سلطانی، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۸۴). *برگه‌ها*، ترجمه مالک حسینی، تهران، نشر هرمس
- ویتگنشتاین، لودویک (۱۳۸۱). *پژوهش‌های فلسفی*، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز
- هادسون، ویلیام دانالد (۱۳۸۸). *لودویک ویتگنشتاین، ربط فلسفی او به باور دینی*، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران، نگاه معاصر
- هنفلیک، اوسوالد (۱۳۹۷). *فلسفه پسین ویتگنشتاین*، ترجمه مینو حجت، چاپ اول، تهران، هرمس
- امین، سیدحسین (۱۳۷۶). «تعریف و پیشینه جامعه مدنی»، کیهان اندیشه، شماره ۷۶، ۶۱ - ۴۷
- پورحسن، قاسم (۱۳۸۵). «ویتگنشتاین: از زبان تصویری تا زبان تألیفی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، شماره ۴۹ (ویژه‌نامه فلسفه)، ۱۴۸ - ۱۲۷
- دهاقین، مهدی، و دیگران (۱۳۹۷). «نسبت میان بازی‌های زبانی، صورت‌های زندگی و حیات اجتماعی انسان در ویتگنشتاین متأخر»، فصلنامه علمی - پژوهشی ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۷۴، ۱۳۶ - ۱۱۳
- عسگری یزدی، علی (۱۳۹۲). «نقد و بررسی نظریه بازی‌های زبانی لودویک ویتگنشتاین»، مجله علمی - فلسفه دین، پردیس فارابی دانشگاه تهران، دوره ۱۰، شماره ۴، ۱۳۶ - ۱۲۱
- محمدی، عبدالله (۱۳۹۸). «تأملی در نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین پسین»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره ۴، پیاپی ۷۳، ۱۱۶ - ۹۵
- ندرلو، بیت الله (۱۳۹۰). «نظریه بازی‌های زبانی ویتگنشتاین: یک نظرگاه فلسفی پست مدرن درباره زبان»، دوفصلنامه علمی پژوهشی غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، ۱۰۰ - ۸۷

- Grayling, A. C., (1991), *Wittgenstein*, Oxford, Oxford University Press
- Von der Ruhr, Mario, (2005), *Religion and Wittgenstein legacy*, Edited by Philips, D. Z., Ashgate Wittgensteinian Studies, London, Rutledge
- Wittgenstein, Ludwig, (1966), *Lectures and Conversations*, Edited by Cyril Barrett, California, University of California Press

Mehr News, Aug 13, 2015, Last Visit July 19, 2020

- <https://www.mehrnews.com/news/2878110>

UN World Population Prospects, 2019 Revision, Last Visit Aug 05, 2020

- <https://worldpopulationreview.com/countries/iran-population>

Financial Tribune, February 04, 2018, Last Visit, Sep 04, 2020

- <https://financialtribune.com/articles/economy-sci-tech/81384/iran-ranked-world-s-7th-instagram-user>

The Verge, Jon Porter, February 12, 2020, Last Visit, Sep 04, 2020

- <https://www.theverge.com/2020/2/12/21134652>

Shargh, Mohammad Hadi Mohammadi, June 10, 2020, Last Visit Sep 30, 2020

- <https://www.magiran.com/article/3171987>

Etemadonline, Mohsen Rennani and Hossein Ghorbani, Sep 04, 2020, Last Visit Oct 02, 2020

- <https://etemadonline.com/content/430474>

Bahar News, June 10, 2020, Last Visit Oct 06, 2020

- <http://www.baharnews.ir/news/218248>